

ارکان سیاست ما برای رسیدن به استراتژی سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران



محمد آسنگران

هدف حزب کمونیست کارگری ایران برقراری حکومت کارگری و استقرار یک نظام و جامعه سوسیالیستی است. تلاش برای رسیدن به این هدف کار هر روزه و بلاانقطاع حزب است. حزب کمونیست کارگری تشکل و بخش سازمانیافته جنبش کمونیسم کارگری است. کمونیسم کارگری جنبش سیاسی و آگاه طبقه کارگر است. طبقه ای که خود محصول عروج سرمایه داری و تولید مدرن صنعتی است، میتواند و باید استقرار جامعه ای آزاد و مرفه را به امر واقع تبدیل کند. قدرت و توان و افق سوسیالیستی در جنبش

صفحه ۲

زنده باد اول مه!



کارگران! یک اول مه دیگر فرا رسید و ما همچنان زیر سیطره یک اقلیت بی خاصیت و مفتخور بنام طبقه سرمایه دار قرار داریم. یک اول مه دیگر فرا رسید و تولید کنندگان تمام ثروتهای جامعه یعنی کارگران همچنان محروم ترین بخش جامعه اند. ارزان ترین کالا در این جامعه نیروی کار است که بنا به تعریف تنها کالایی است که ظاهرا در اختیار کارگران قرار دارد. اما عملا حاکمین و پادوهایشان تعیین میکنند که کارگر نیروی بازویش را به چه بهایی

زنده باد اول مه
روز جهانی کارگر!

زنده باد اول مه
روز جهانی کارگر!

کودکان محروم از مدرسه! دوزبانه بودن مدارس! و فقر مالی!



نسان نودینیان

اخیرا وزیر آموزش و پرورش دولت روحانی، برنامه های نظام آموزشی در برخی استان ها را "بسیار ضعیف" توصیف کرد. بر اساس گزارشها در استان سیستان و بلوچستان بیش از ۷۱ هزار کودک از رفتن به تحصیل محروم شده اند. و پنجاه و یک دهستان در هشت

صفحه ۲

قاطعانه از جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی دفاع کنیم

صفحه ۵



اول مه، روز جهانی کارگر را گرامی داریم.
بهنام ابراهیم زاده

صفحه ۶

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

نسان نودینیان، نسرین رمضانعلی

صفحه ۴

تنها در استان سیستان و بلوچستان ۵۲۶ مدرسه خشت و گلی وجود دارد



رحیم یزدانپرست

طبق آمار علیرضا نخعی مدیرکل "آموزش و پرورش" (۱) جمهوری اسلامی فقط در یک استان ۵۲۶ مدرسه خشت و گلی وجود دارد که قدمتی بیشتر از ۳۰ سال دارد.

صفحه ۳

اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق



یدی محمودی

مورد تامین برق اقلیم کردستان، چگونگی بازپس گیری شهر موصل و جنگ میان دولت ترکیه و پ کا کا بحث و گفتگو کرده اند." لازم به ذکر است که با وجود جنایتهای بیشمار دولت فاشیستی ترکیه علیه مردم بی دفاع کردستان، دولت ترکیه در چند ماه

صفحه ۶

دیدار نیچیروان بارزانی از ترکیه!

روز دهم آپریل نیچیروان بارزانی نخست وزیر اقلیم کردستان برای دیداری رسمی وارد آنکارا شد و با رئیس جمهوری و نخست وزیر آن کشور دیدار و گفتگو کرد. سفین دزه ای سخنگوی حکومت اقلیم در این باره گفت: "در این دیدار در

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ ارکان سیاست ما ...

کارگری، ستون فقرات و نیروی است که میتواند به این هدف یعنی استقرار جامعه سوسیالیستی جامعه عمل بپوشاند.

رسیدن به این هدف فقط از یک مسیر انقلابی ممکن است. بدون یک انقلاب اجتماعی رسیدن به سوسیالیسم امری غیر ممکن است. جنبش طبقه کارگر و گرایش کمونیستی درون این جنبش هنگامی میتواند به این هدف نایل آید که بتواند افق و سیاست خود را به یک افق اجتماعی و قابل اعتبار و قابل اتکا برای دیگر جنبشهای انقلابی تبدیل کند.

افق حاکم بر ارکان استراتژی حزب کمونیست کارگری ایران

اصول اعتقادی و آرمان اجتماعی کمونیسم کارگری بر نقد ارکان اقتصادی و اجتماعی و فکری نظام سرمایه داری متکی است. نقد این جنبش و حزب آن به سیستم حاکم در جامعه موجود از زاویه جنبش طبقه کارگر مزدی و به این اعتبار حقیقی و انقلابی است. رهبران و سخنگویان این جنبش ستون فقرات حرکت و تلاش برای برپایی یک جامعه آزاد و مرفه هستند.

بنابر این ارکان اصلی استراتژی حزب کمونیست کارگری ایران عبارتند از: ۱/ نقد سیستم سرمایه داری، ۲/ پرورش یک لایه کادر کمونیست در ابعاد اجتماعی و در راس جنبشهای جاری بویژه جنبش کارگری ۳/ ایجاد یک سازمان قوی کمونیستی به هدف سازمان دادن و رهبری جنبشهای اعتراضی و اجتماعی. مضمون این سه رکن قبلا در برنامه یک دنیای بهتر بیان و مصوب شده است.

نقد سیستم سرمایه داری

سیستم و قوانین حاکم در دنیای امروز متکی بر نیازهای مناسبات تولیدی سرمایه داری است. بنابر این نقد ما شامل همه جوانب اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و فکری این سیستم میشود. یکی از پایه های استراتژی حزب کمونیست کارگری ایران نقد دائمی و تعطیل ناپذیر ارکان سیستم حاکم و نشان دادن آلترناتیو سوسیالیستی و مطلوبیت و عملی بودن آن است.

پرورش یک لایه کادری کمونیست در ابعاد اجتماعی

نقد کمونیسم کارگری به هدف ارتقا و تعمیق نقد فعالین جنبش کمونیسم کارگری و همه فعالین کارگری است که بتواند یک لایه وسیع کادری کمونیسم کارگری در جنبشهای اجتماعی بویژه جنبش کارگری را تا سطح رهبران و اداره کنندگان جامعه ارتقا بدهد. عملی کردن و استقرار یک ساختار سوسیالیستی بدون یک لایه وسیع کادری کمونیسم کارگری در ابعاد اجتماعی و سازمان یافته غیر ممکن است. یک حزب کمونیستی فقط هنگامی میتواند به زبانی توده ای تبدیل بشود که ابتدا بخش قابل توجهی از فعالین جامعه با اهداف و آرمانها و سیاستهای آن حزب آشنا و جذب و متشکل شده باشند. طبعا این امری است روز مره و در جریان مبارزات جاری جامعه و بویژه قدرتمند شدن جنبش کارگری با افق سوسیالیستی ممکن میشود.

کار آگاهگرانه و سازمانگرانه ما برای به اجرا درآوردن استراتژی حزب نگاهی طبقاتی به کل مسائل جامعه دارد. یعنی از زاویه مصالح و منافع امروز و فردای طبقه کارگر خطاب به کل جامعه سخن میگوید و راه حلهای کارگری را در مقابل کل مشکلات و معضلات جامعه قرار میدهد. از این لحاظ کار آگاهگرانه و سازمانی ما باید جامع، واقع بینانه و منطبق با روند مبارزات جاری و تعادل قوا در هر دوره باشد.

ایجاد یک سازمان قوی کمونیستی

کسب قدرت سیاسی و برپایی جامعه ای آزاد و مرفه و سوسیالیست بدون وجود یک حزب قوی کمونیستی غیر قابل تصور است. بنابر این پیش شرط قدرتی جنبش کمونیسم کارگری برای اداره جامعه و کسب قدرت سیاسی به وجود یک حزب قوی و با اتوریته کمونیستی گره خورده است. اما وجود یک حزب قوی و آماده برای کسب قدرت سیاسی در عین حال مستلزم رهبرانی علنی، شناخته شده و صاحب نظر در عرصه های مختلف میباشد. (بحث حزب و شخصیتها)

علاوه بر نکات فوق یک حزب قوی بدون حضور فعالین و رهبران کارگری در راس و در صف آن امکان و توان سازمان دادن جنبش کارگری و دیگر جنبش های انقلابی در سطح سراسری و اجتماعی را نخواهد داشت.

بنابر این تلاش برای ایجاد سازمانهای کارگری و تشکلهای توده ای در ابعاد اجتماعی و در جنبشهای انقلابی و ارتقا رهبران کمونیست و رادیکال این جنبشها در صدر اولویت حزب ما قرار دارد.

روشها و نگاه ما برای عملی کردن این استراتژی

عکس العمل حزب و فعالین کمونیست برای تاثیر گذاری در مقابل رویدادهای جاری بایستی سریع و به موقع و با بیانی قابل فهم و بدور از تکرار کلیشه ای احکام باشد. طبقه کارگر در مبارزه روزمره خود همیشه از درجه ای از سازمان و تشکل برخوردار است. آنچه که ما در قالب تشکلهای کارگری و محافل و شبکه های فعالین و... مشاهده میکنیم همگی به کوشش فعالینی بوده است که توانسته اند تعدادی از هم طبقه ای های خود را متشکل و به حرکت در بیاورند. این یعنی درجه ای از خودآگاهی طبقاتی در میان جنبش کارگری و کل طبقه کارگر.

اما این درجه از آگاهی و تشکل برای یک انقلاب کارگری و اجتماعی کافی نیست. بلکه لازمه آن این است که حزب ما آگاهانه و در هر مقطعی با شناخت از مشکلات و موانع و نقطه قدرتهای این جنبش، به متشکل شدن و سازمان یابی و آگاهگری در طبقه کارگر بپردازد تا بتواند در ابعادی توده ای و حزبی جنبش کارگری را حول سیاستهای کمونیسم کارگری متشکل کند. اجرای این سیاستها کمک میکند که لایه هر چه بیشتری از فعالین جنبش کارگری به عنوان کمونیستهای محبوب و مطلع و معتبر کارگران در راس مبارزات و تشکلهای کارگری قرار بگیرند.

این طیف از فعالین کمونیست جنبش کارگری یک نقطه اتصال مهم و تعیین کننده بین حزب و طبقه کارگر و ستون فقرات برپایی جامعه سوسیالیستی هستند. بدون وجود سازمان یافته این طیف و این لایه از فعالین کمونیست در جنبش کارگری حتی اگر پیروزی سیاسی هم بدست

از صفحه ۱ کودکان محروم از مدرسه ...

اسلامی، در سال تحصیلی گذشته سه میلیون و ۲۰۰ هزار کودک در ایران از تحصیل بازمانده اند. همچنین به گفته معاون سوادآموزی سازمان نهضت سوادآموزی، سالانه نزدیک به ۱۱۰ هزار نفر ترک تحصیل می کنند و یا از تحصیل باز می مانند.

وزیر جنایتکار اسلامی اعلام کرده "در بحث ورود به تحصیل یکی از بزرگترین مشکلات، دو زبانه بودن برخی از نقاط کشور است به گونه ای که در این مناطق کودک پس از ورود به مقطع دبستان به دلیل آشنایی با زبان مادری و نا آشنا بودن با زبان فارسی، نمی تواند درس را متوجه شود و به همین دلیل عقب می ماند".

مشکل زبان مادری و نا آشنایی کودکان بزبان فارسی با بکارگیری امکانات مالی و ایجاد مدارس مدرن برطرف میشود. نکته اصلی محرومیت کودکان از تحصیل فقر مالی خانواده های آنها، پایین بودن حقوق و دستمزدها، بیکار سازی میلیونی و عدم اختصاص بودجه کافی برای هزینه های آموزش و پرورش، کمبود مدارس و معلم و هزینه های سنگین تحصیل در ایران تحت حاکمیت نظام جمهوری اسلامی است!

تعمیرات و بازسازی مدارس و مراکز آموزشی در مناطق محروم و روستاها از تحصیل محرومان باید در اولویت قرار گیرد. دولت باید امکانات آموزشی برابر برای همه شهروندان ایجاد نماید و برای جلوگیری از ترک تحصیل کودکان و نوجوانان تحصیل باید رایگان باشد.

مشکل دو زبانه بودن کودکان محروم از تحصیل با اختصاص بودجه کافی و بهره گیری از تجارب و فن آوری آموزش مدرن در مدارس برطرف میشود. دولت یازدهم و کل نظام جمهوری اسلامی مسبب محرومیت تحصیل کودکان، هستند!

زندگی شاد، ایمن و خلاق حق مسلم کودکان است!



آورد، آینده این پیروزی در عرصه اقتصادی با مشکلات جدی روبرو خواهد شد. فقط با اتکا به وجود این طیف سازمان یافته از فعالین کمونیست

جنگ بر سر دستمزد و رفاه کارگران!



کازم نیکخواه

نرخ تورم را معمولاً بانک مرکزی تعیین میکند. اما مساله اساسی اینست که در جمهوری اسلامی هیچ نهادی از جمله بانک مرکزی از سیاستها و مصالح حکومت مستقل و مجزا نیست. معمولاً اینها بسته به شرایط و مصالح سیاسی نرخ تورم را دست کاری و کم و زیاد میکنند. همین ۱۲ درصدی که الان اعلام کرده اند به هرکس نشان میدهد که چقدر آمار اینها مسخره است! مردم به چشم خودشان دارند می بینند که قیمتها با نرخهای شصت درصد و هفتاد درصد و حتی صد درصد در سال جاری که آخرش هستیم افزایش یافت. حال چگونه میتوان باور کرد که نرخ تورم یک مرتبه درست در اسفندماه به ۱۲ درصد رسید؟ این اقتصاد نیست شامورتی بازی است. یک نکته مهم دیگر اینست که دستمزد سال آینده را بر اساس نرخ تورم سال گذشته آنها فقط اسفند ماه حتی فرض که درست باشد نمیتوان تعیین کرد. اگر نرخ تورم در فروردین اردیبهشت آینده ۵۰ درصد و شصت درصد و بیشتر باشد که با شناختی که از اقتصاد جمهوری اسلامی داریم احتمالش کم نیست آیا معنای واقعی آن این نیست که قدرت خرید کارگر چهار بار و پنج بار کمتر میشود؟ و آیا با همین افزایش این بازی ۱۲ درصد پوچ نمیشود؟ میخواهم بگویم از هر طرف که نگاه کنید روشن است که سیستمی که اینها به کارگران تحمیل کرده اند غیر منطقی و ضد کارگری است. میخواهند یک دستمزد بخور و نمیر را توسط نهادهای منفوری نظیر همین به اصطلاح "شورای عالی کار" کذابی شان به کارگر تحمیل کنند، به بازی کردن با بانک و تورم و امثال اینها متوسل میشوند تا کارگران را فریب دهند. انگار کارگر از سفره خالیش نمیتواند بفهمد که معنای این

جمهورمذاکره کنند، چندتایشان با هواپیمای شخصی لوکس چندین میلیون دلاری در محوطه مذاکره فرود آمدند. خبرنگاران از این صحنه عکس و فیلم گرفتند و آنرا گزارش کردند و همین باعث شد که جنجالی برپا شود و مردم شدیداً اعتراض کنند. اما این روال عادی در این کشورهاست. سود سرمایه دار بی خاصیت مقدس است. شکوفایی اقتصادی مقدس است. و بیای آنها همه چیز میتواند فدا شود. از جمله زندگی کارگران و بیکاران و بیماران و بازنشستگان. و همان موقعی که میگویند پول نیست و دستمزدها باید زده شود یا فریز شود، حقوقهای میلیونی مدیران ارشد را به نحو نجومی افزایش میدهند و کسی صدایش در نمی آید. چون اقتصاد اینگونه کار میکند.

در اکثر جاها این بی منطقی آشکار را بعنوان حقیقتی که باید قبول کرد به کارگران و مردم قبولانده اند. و بقیه کار یعنی تحمیلات دیگر برایشان راحت شده است. البته با زور و فشار و حتی ترور رهبران کارگری رادیکال و امثال اینها این قبولاندن عملی شده است نه طبعاً با بحث و اقیان.

در ایران اوضاع از این حرفها بدتر است. ریاضت اقتصادی عرف معمول اقتصاد این حکومت است. مدتها وعده بعد از رفع تحریمها و برجام و اینها را میدادند ولی الان همین را هم میگویند اول باید صبر کرد که اقتصاد شکوفا شود و بعد به زندگی کارگران و مردم برسیم. این بازیها را کارگران و مردم خیلی خوب میشناسند. جمهوری اسلامی یک اقتصاد چپاول و دزدی و قاچاق و رانت خواری را سازمان داده است و سالیانه کارگران را زیر چرخهای این اقتصاد مافیائی له کرده اند.

الان روحانی آمده و میگوید چ ند سال دیگر به همین منوال صبر کنید تا به شکوفایی برسیم و بعد لقمه نانی هم به کارگران و مردم میدهیم. اقتصادی که روی استخوانهای کارگران چرخش میچرخد بهتر است شکوفا نشود. کارگران بارها به این وضعیت اعتراض کرده اند و حرفشان را در قطعنامه هایشان زده اند. الان هم باید تاکیدشان روی زندگی انسانی برای همه کارگران باشد و تحمیل فقر و رنج و محرومیت را نپذیرند. اگر ماشین بدون سوخت و

از صفحه ۱ تنها در استان سیستان ...

تمام "وظیفه و مسئولیتی" که در مقابل این رویداد می پذیرند همین است و بس. انتظار بیشتر از این حکومت و سران و روسایش هم نمیرود، چون هیچ وقت و هیچ زمانی جان انسان و ارزش انسان برای این حکومت مفهومی نداشته است. برعکس برای ماندن در آریکه قدرت همیشه و هر روزه به بهانه های مختلف جان انسان ها را گرفته و میگیرند. در تمام طول ۳۷ سال عمر ننگین این حکومت و به گفته مدیرکل آموزش و پرورش تنها ۶۰ مدرسه "مقاوم" درست شده است و تمام افتخاراتشان همین است.

تنها راه نجات مردم در ایران از دست خانه، مدرسه و ساختمانهای متروکه که هر آن بیم آن می رود روی سرشان خراب شود و در زیر آوار مدفون شوند، بزرگشیدن کل این حکومت با هر جناح و دسته اش میباشد.

توضیح:

۱ اگر سیستم آموزشی حکومت اسلامی را که کل این سیستم بر مبنای عقب ماندگی و خرافات دینی شکل گرفت، بشود آموزش و پرورش نام نهاد. ۲ بسیار مقاوم، اصلاً سنجش مقاوم در تفکر این نظام بر مبنای چه معیاری در نظر گرفته میشود و آیا این مدارس "خیلی مقاوم" در برابر اتفاقی مانند زمین لرزه، طوفان و غیره مقاوم هستند. قطعاً جواب منفی است و همه مردم این را میدانند. ***

که: ۶۰ مدرسه ۲ کلاسه "بسیار مقاوم" (۲) ساخته شده است که گنجایش ۲۰ تا ۴۰ نفر را دارند. چه افتخار بزرگی!!!

خبر از این قرار بود:

براساس گزارش رسانه ها از ایران حمید رضا گنگوزهی، معلم یک دبستان ۵۳ نفره در روستای نوکجوی در زنگ تفریح متوجه ریزش دیواری می شود که دانش آموزان در کنار آن بازی می کردند. او که برای نجات این دانش آموزان رفته بود، خود زیر آوار ماند و درگذشت.

در مورد این خبر مدیرکل اظهار نظر میکند که این روستا در "نقطه صفر مرزی قرار گرفته است". این اظهارات کاملاً فاشیستی و ضد انسانی است. این فرمایشات به این معنی است که روستاهای مرزی خیلی مهم نیستند و جان معلمان و بچه ها و کلا مردم این مناطق ارزش ندارند چون در نقطه صفر مرزی قرار گرفته اند.

ایشان برای توجیه اراجیف خودش به این شیوه اظهار نظر میکنند: "دیواری که به دلیل وزش باد تخریب شد متعلق به مدرسه نبود، اما این بدان معنا نیست که دیوار نزدیک مدرسه قرار نداشت و ما هم نمی گوییم که موضوع به ما مربوط نمی شود، می پذیریم که باید بیشتر مراقب بودیم و همکاران ما در آموزش و پرورش باید دقت می کردند و به صاحب ساختمان می گفتند که دیوار در حال تخریب را بازسازی یا خراب کند".

قطعاً تخریب را بازسازی یا خراب کردن هم بدون پول و دستمزد مناسب نباید کار کند. این منطق برای سرمایه داران باید ساده و قابل فهم باشد. بهرحال حقیقت اینست که رشد اقتصادی ای که وعده میدهند یک وعده سر خرمن است. جمهوری اسلامی معضلات خاص خودش را دارد. بحران های مزمنی دارد. جنگ و جدالهای عمیقی دارد و اوضاع منطقه هم چندان برایش دلچسب نیست. همه اینها باعث میشود که رشد اقتصادی ای که

وعده میدهند پوچ باشد. مهم اینست و این را باید همه کارگران بدانند که اگر کارگران میخ خود را نکوبیده باشند و تشکلهای خود را نساخته باشند و صفوف خود را منسجم نکرده باشند، از رشد اقتصادی ده برابر هم هیچ چیز به سفره کارگر وارد نمیشود. این هم منطق ساده ای است که برای کارگران قابل فهم است.

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان نسان نودینان، نسرین رمضانعلی



تجمع کارگران فولاد زاگرس در مقابل فرمانداری قروه

بیش از ۵۰ نفر از کارگران بیکار شده‌ی فولاد زاگرس روز یکشنبه ۲۲ فروردین ۹۵ ساعت ده صبح جلوی فرمانداری قروه دست به تجمع اعتراضی زدند

کارگران فولاد زاگرس که با سابقه ۱۰ الی ۱۲ سال، در سال ۹۲ زسوی کارفرما اخراج شده اند، در اداره کار قروه طرح شکایت نمودند و در هیاتهای تشخیص و حل اختلاف اداره کار قروه، اخراج آنان، براساس بند دال ماده ۲۱ قانون کار غیرموجه و بازگشت بکارشان را صادر نمودند.

اما کارفرما دست به انحلال شرکت فولاد زاگرس زد هرچند انحلال شرکت و تعیین مدیرتسویه مطابق ماده ۱۲ قانون کاردلیل برقطع رابطه کاری کارگران نمی باشد.

به گفته کارگران فولاد زاگرس "کارفرما باردیگر، با کمک مدیران استان با گرفتن مهلتی اندک برای واگذاری و یا احیای مجدد کارخانه، کارگران را به بیمه بیکاری معرفی نمود"

طبق اخبار رسیده به سایت اتحاد، اکنون ۲۵ ماه از استفاده بیمه بیکاری این کارگران میگذرد و هیچ اقدامی برای احیای کارخانه و اشتغال مجدد کارگران انجام نگرفته است و شرایط سنی و صدمات کار سخت و زیان آوری که به جسم آنان وارد گردیده فرصت کاربایی را از آنان سلب کرده است.

کارگران فولاد زاگرس، باتوجه به اینکه کمتر از یکماه از بیمه بیکاری آنان باقی مانده و به جهت اعتراض به این وضعیت، روز یکشنبه ساعت ده صبح در مقابل فرمانداری قروه دست به تجمع

کارخانه و اخراج خود در مقابل این واحد تولیدی تجمع کردند. در حالیکه که کارگران مثل همیشه به سر کار می رفتند، با ممانعت حراست کارخانه روبرو شده و به آنان اعلام گردید که کارخانه تعطیل شده و کارگران نیز اخراج شده اند. کارگران معترض با تجمع در مقابل درب ورودی کارخانه، خواستار رسیدگی به وضعیتشان شدند.

اعمال فشار بر کارگران شرکت مانی

اعمال فشار و تضییع حقوق کارگران ساخت و تولید شیرینی های سنتی "شرکت مانی" در شهر سنندج.

بیش از ۴۲ کارگر از جمله ۳۸ زن و ۴ مرد با دستمزدی بسیار ناچیز، بدون حق بیمه و با ساعت کار طولانی مشغول به کار هستند. طی ماههای گذشته کارگران این شرکت با مراجعه به اداره کار رژیم پیگیر مشکلاتشان شده اما هیچ جوابی دریافت نکردند. در همین حال، کارفرما، ۳ نفر از کارگران زن این شرکت را در سال جدید اخراج کرده است.

دیدار فعالین کارگری با جمیل محمدی

جمع کثیری از کارگران و اعضای کمیته هماهنگی و فعالان مدنی شهر سنندج به دیدار "جلیل محمدی" فعال کارگری رفتند.

براساس این گزارش، جمعی از فعالان کارگری و مدنی شهر سنندج به منظور دیدار، خوش آمدگویی و حمایت از فعالیت های حق طلبانه جلیل محمدی به دیدار او رفته، که با استقبال گرم خانواده این فعال کارگری روبرو شدند. لازم به ذکر است که جلیل محمدی در آستانه ۸ مارس امسال توسط نیروهای امنیتی رژیم بازداشت و در تاریخ ۱۱ فروردین با تودیع وثیقه به ارزش یکصد میلیون تومان از زندان سنندج آزاد شد.

اخراج ۱۸ تن از کارگران سینا ارتوپد سنندج

با آغاز سال جدید، کارفرمای کارخانه "سینا ارتوپد" در سنندج، ۱۸ تن از کارگران قراردادی با سابقه، که سالها است در این کارخانه مشغول به کار هستند، را از کار اخراج کرده است. به گفته فعالین کارگری، این کارگران که شامل ۲ زن و ۱۶ مرد هستند، به بهانه کمبود منابع مالی و عدم فروش محصولات کارخانه اخراج شده اند. کارگران اخراجی ضمن اعتراض به اقدام کارفرما، خواستار بازگشت بر سر کار خود شده اند. کارخانه سینا وابسته به شرکت "آتیلا ارتوپد" تولید کننده محصولات پزشکی است که سال ۱۳۸۳ از قزوین به شهر سنندج انتقال یافت. هم اکنون ۸۰ کارگر در این کارخانه مشغول کار هستند.

تقریباً همه معلمان زیر خط فقر قرار دارند
"محمد حبیبی" عضو کانون صنفی معلمان، معلمان با مشکلات مختلف از قبیل بیمه های درمانی نامناسب عدم اطمینان شغلی عدم دریافت دستمزد در روزهای تعطیل و تعطیلات تابستانی روبرو هستند همین حداقل دستمزد دریافتی هم به این معلمان پرداخت نمی شود. در واقع این معلمان باید ماهها انتظار بکشند تا این دستمزدهای ناچیز را دریافت کنند. تقریباً همه معلمان چه رسمی و چه غیر رسمی بنا بر آمارهای رسمی اعلام شده توسط خود مراکز دولتی، زیر خط فقر قرار دارند. در نتیجه بسیاری از معلمان رسمی برای جبران مشکلات معیشتی یا به کارهای دوم و سوم می پردازند یا علاوه بر بیست و چهار ساعت متعهد به انجام اضافه کاری در قالب فعالیت حق التدریسی می گیرند. در طول هفت ماه گذشته این معلمان رسمی هم فقط یک ماه از حق التدریس خود را دریافت کرده اند و همچنان با وجود وعده های مسئولان در طی ماههای گذشته خبری از پرداخت اضافه کاری ها نیست. یک معلم برای جبران مشکلات معیشتی خود اضافه کار می گیرد ولی شش ماه باید منتظر باشد تا پول خود را دریافت کند.

••••

زنده باد اول مه روز جهانی کارگر

اول مه روز اعتراض به فلاکت و نابرابری، روز اعتراض به سرکوب و خفقان و بی حقوقی و تبعیض، و روز دفاع از آزادی و برابری و رفاه برای تک تک مردم است. در اول مه کار را تعطیل کنیم. تجمعات بزرگ و کوچک خود را در سراسر کشور برپا داریم. جشن بگیریم و سخنرانی کنیم. قطعنامه هايمان را اعلام کنیم. خواهان دستمزد بالاتر از خط فقر شویم و به دستگیری ها و اعدامها و تبعیضات شدیداً اعتراض کنیم.

زنده باد سوسیالیسم



تجمع کارگران ایستک "خورشید زریوار"

بیش از یکصد نفر از کارگران کارخانه ایستک "خورشید زریوار" در سنندج در اعتراض به تعطیلی این

قاپطانان از جعفر عظیم زاده و اسماعیل عیدی دفاع کنیم

جعفر عظیم زاده رئیس هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و اسماعیل عیدی دبیر کانون صنفی معلمان و از رهبران زندانی جنبش کارگری ایران طی بیانیه ای از درون زندان اوین در اعتراض به آنچه که خود اینگونه به شرح آن پرداخته اند: "تحمیل دستمزدهای زیر خط فقر عدم پرداخت به موقع دستمزدها در ابعادی گسترده، نابودی کامل امنیت شغلی اکثریت قریب به اتفاق کارگران با قراردادهای موقت و سفید امضا و بخش چشمگیری از معلمان تحت عناوین مختلفی همچون معلم آزاد، حق التدریس شرکتی پیمانی و پیش دبستانی بکارگیری معلمان آزاد بامدارک تحصیلی لیسانس و بالاتر با حقوق سیصد هزار تومانی و بدون بیمه نهادینه کردن گسترده شرکتی پیمانکاری در صنایع بزرگ و متوسط دولتی و غیردولتی و غارت مضاعف دسترنج کارگران، گسترش کار کودکان، عدم اجرای کامل قانون نظام هماهنگ پرداخت و مصوبات هیات وزیران در مورد فرهنگیان شاغل و بازنشسته، رشد فزاینده مدارس غیرانتفاعی و هیات امنایی و نابودی تدریجی آموزش و تحصیل رایگان، غارت و چپاول صندوق تامین اجتماعی و برخی دیگر از صندوقهای بازنشستگی، ممنوعیت ایجاد تشکلهای مستقل کارگران و معلمان و امنیتی کردن اعتراضات آنان، قطع سوسید کالاها اساسی مانند نان، آب، برق، گاز، لبنیات و غیره" و همچنین برخورد دولتهای مختلف در مدت ۳۷ سال گذشته به اعتراضات و نحوه پاسخگوییشان به مطالبات کلیه مزد بگیران جامعه که چیزی غیر از سرکوب، تعقیب، بازداشت، اخراج و زندانی نمودن فعالین و رهبران اعتراضات، یورش به تشکلهای مستقل و بازداشت و زندانی کردن اعضا آنها به اتهامات واهی امنیتی از قبیل اقدام علیه امنیت ملی نبوده، اعلام کرده اند از روز دهم اردیبهشت به مدت نا محدود دست به اعتصاب غذا خواهند زد.

خواست مشخص جعفر عظیم زاده و اسماعیل عیدی، رفع کلیه مشقات معیشتی و برقراری امنیت شغلی و حذف نابرابریهای آموزشی و

در دسترس قرار گرفتن امکانات تحصیلی رایگان و یکسان مطابق با استانداردهای پیشرفته برای همه است که ضمانت رسیدن و برخورداری از این مطالبات، حذف کلیه اتهامات امنیتی موجود در پرونده های فعالین زندانی و آزادی آنها، مختموم شدن پرونده های قضائی علیه معترضان به وضعیت موجود، آزادی اعتراض و اعتصاب، حق ایجاد تشکلهای مستقل و آزادی عضویت در آنها می باشد. خواست این دو رهبر زندانی همانطور که در بخشی از بیانیه آنها تأکید شده و به روشنی واضح و گویا است، خواست و آرزوی اکثریت انسانهای جامعه است. هر انسانی نیازمند برخورداری از امکانات زندگی مدرن و مرفه است که در بیانیه جعفر عظیم زاده و اسماعیل عیدی موکدا بر آنها انگشت گذاشته شده است. نباید جعفر عظیم زاده و اسماعیل عیدی را که در زندان صدای اعتراضشان به فقر و فلاکت بلند کرده اند، تنها گذاشت. باید برای تحقق این خواستها خواهان آزادی فوری آنان و بقیه فعالین زندانی و مختموم شدن هر گونه پرونده قضائی علیه کسانی که خواهان پایان یافتن مشقاتی هستند که بر زندگیشان سایه انداخته است، شد.

کارگران، معلمان و پرستاران، تشکلهای و سازمانهای کارگری، معلمی و پرستاری در ایران و هر نقطه دیگر از جهان. به هر طریق ممکن از این دو رهبر زندانی دفاع کنید.

اتحادیه آزاد کارگران ایران ۲۲ فروردین ۹۵

بیانیه جعفر عظیم زاده و اسماعیل عیدی پیرامون اقدام به اعتصاب غذا از روز دهم اردیبهشت ماه ۹۵

امروزه بر هیچ انسان شریف و منصفی پوشیده نیست که میلیونها کارگر و معلم و دیگر زحمتکشان کشور با شرایط معیشتی طاقت فرسا و غیرقابل تحملی دست به گریبانند و سالهاست ابتدایی ترین حقوق انسانی آنان به طور وقفه ناپذیری پایمال میشود. تحمیل دستمزدهای زیر خط فقر عدم پرداخت به موقع دستمزدها در

ممنوعیت اعتصاب و اعتراض از سوی قوه قضائیه بطور رسمی به برخی مراکز کارگری ابلاغ شده، دامنه سرکوب اعتراضات کارگران و معلمان در ابعادی سراسری به اعتراضات آرام آنان در محل کارشان گسترش پیدا کرده، صدها کارگر و معلم احضار بازداشت و تحت تعقیب قضائی قرار گرفته اند، چهره های موثر معهود تشکلهای مستقل کارگران و معلمان با اتهامات سنگین امنیتی مواجه شده اند و تعدادی از آنان و منجمله ما در حال گذراندن حبسهای طولانی در زندانهای کشور هستیم. به ما اتهام "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی کشور" زده اند و بر این اساس با حکم های طویل المدت در زندان اوین محبوس هستیم. ما همچون هزاران کارگر و معلم معترض، هیچ فعالیتی جز دفاع از کرامت انسانی خود و هم طبقه ای هایمان نداشتیم. تمام فعالیتهای ما و دیگر همکاران زندانی مان در کانون صنفی معلمان، اتحادیه آزاد کارگران ایران و دیگر تشکلهای مستقل کارگری و معلمان در مقابل دیدگان افکار عمومی قرار دارد و بر همگان روشن است. فعالیتهای ما برای دست یابی به مطالبات قانونی و انسانی مان چنان محرز است که حتی مصادیقی هم که بر اساس آنها در پرونده هایمان به ما اتهامات امنیتی وارد کرده اند تماما معطوف به فعالیتهایی از قبیل جمع آوری امضا در اعتراضات به دستمزدهای زیر خط فقر، ایجاد تشکلهای مستقل کارگران و معلمان و فعالیت در آنها شرکت در تجمعات صنفی در مقابل مجلس و وزارت کار و ارائه نامه های اعتراضی به نهادهای مسئول و دیگر کنشگریهای صنفی است. بدینگونه بر اساس مستندات رای هایی که بر علیه ما صادر شده است باید گفت هر گونه تلاش برای اجرای قوانین حداقلی موجود و مبارزه برای بهبود شرایط زندگی و معیشت کارگران و

معلمان در این کشور اقدام علیه امنیت ملی محسوب میشود. ما میدانیم و بر این امر اذعان داریم که با فعالیتهایمان امنیت و آسایش کسانی را که بر بستر قانون شکنی و تحمیل فقر و فلاکت بر کارگران و معلمان سالیان سال دست به غارتگری زده اند به خطر انداخته ایم و با اصرار بر تحقق خواستههای بر حق مان تداوم منافع چپا و گرانه ی آنان را به چالش کشیده ایم. اما آنان با نشانیدن منافع و امنیت خود به جای امنیت ملی کشور و بر این بستر با هدف وا داشتن کارگران و معلمان معترض برای تمکین به وضعیت فلاکتبار موجود، ما و دیگر فعالین کارگری و معلمان را به بند کشیده اند. لذا ما در گرامیداشت اول ماه می روز جهانی کارگر و اعلام همبستگی با کارگران جهان به مناسبت این روز بزرگ در اعتراض به امنیتی کردن فعالیتهای صنفی و تجمعات و اعتصابات کارگران و معلمان، دستمزدهای زیر خط فقر، ممنوعیت برگزاری مستقلانه و آزادانه روز جهانی کارگر و روز جهانی معلم، عدم شفافیت و عمل موثر سازمان جهانی کار ILO در قبال نقض حقوق بنیادین کارگران و معلمان ایران و با خواست خارج کردن اتهام "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی کشور" و دیگر اتهامات امنیتی از پرونده های مفتوح کارگران و معلمان معترض و برداشتن اینگونه اتهامات جعلی و ساختگی از پرونده های خود و دیگر فعالین کارگری و معلمان زندانی از روز دهم اردیبهشت ماه دست به اعتصاب غذای نامحدود خواهیم زد.

رونوشت به:

کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری ITUC و سازمان

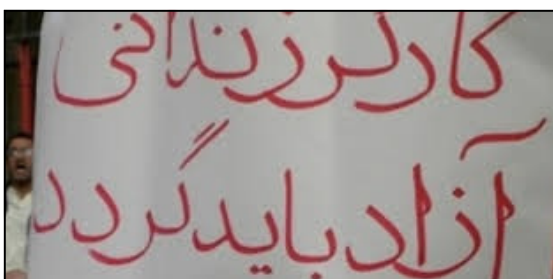
جهانی معلمان EI

جعفر عظیم زاده

اسماعیل عیدی

زندان اوین بند ۸

زندان اوین - اندیشگاه ۸



از صفحه ۱ اخبار هفتگی از رویدادهای ...

گذشته و در محکومیت این جنایتها از طرف بسیاری از کشورهای منطقه بخشی از ناسیونالیسم کرد و از جمله حزب دمکرات کردستان به رهبری مسعود بارزانی روابط بسیار حسنه ای با دولت ترکیه دارد و گفته می شود که یک قرار داد ۵۰ ساله برق را با این کشور امضا کرده اند و همچنین بخش زیادی از نفت اقلیم کردستان هم اکنون از طریق ترکیه به بازارهای جهانی نفت وارد می شود.

اعتراض مردم شهر پنجون!

روز ششم آپریل مردم شهر پنجون در نزدیکیهای مرز ایران در اعتراض به نبود برق به خیابان آمدند و جاده اصلی پنجون سلیمانیه را بستند. گفته میشود که سالهاست برق شهر مرزی پنجون توسط رژیم اسلامی تامین می شود، اما اخیرا رژیم اسلامی بدلیل نپرداختن پول آن از طرف حکومت اقلیم جریان برق را قطع کرده است. مردم شهر پنجون در حالی دست به اعتراض زدند و خواهان فوری تامین برق شدند، که حکومت اقلیم کردستان منظم پول برق را از مردم دریافت کرده است. بهرحال این هم می تواند نتیجه گوشه دیگری از دزدی و چپاول سران احزاب ناسیونالیست حاکم باشد.

بمباران مناطق مرزی اقلیم توسط هواپیماهای دولت ترکیه!

بر اساس گزارشهای منتشر شده، شب هشتم ماه آپریل هواپیماهای جنگی دولت ترکیه مناطق وسیعی از دامنه کوه قندیل را بمباران کردند که در نتیجه آن گرچه تلفات جانی نداشته، اما خسارات زیادی به کشاورزی مردم این مناطق وارد شده. این گزارش می افزاید که در این بمباران مناطقی از روستاهای ییزی، بوکریسکان، کومستان، زارگه لی و لیوژی بمباران شده اند. همچنین گفته می شود که تنها در سال ۲۰۱۵ بیش از ۱۰۰ بار مناطق مرزی اقلیم کردستان با ترکیه توسط هواپیماهای این کشور بمباران شده که تنها در یکی از آنها ۹ نفر از مردم روستای زارگه لی کشته و یازده نفر دیگر زخمی شدند. لازم به ذکر

است که هواپیماهای جنگی دولت ترکیه به بهانه حضور نیروهای پ کا کا دست به این جنایات می زنند و همه این جنایتها از طرف احزاب ناسیونالیست حاکم بر اقلیم کردستان تقریبا با سکوت کامل روبرو می شود.

انتشار نامه ای از زندانیان زندان شهر اربیل!

اخیرا زندانیان زندان اربیل مخفیانه نامه ای را به بیرون از زندان فرستاده اند و در آن تاکید کرده اند که در این زندان شکنجه های بسیار وحشیانه ای انجام می شود. نامه زندانیان می گوید در زندان اربیل این نوع شکنجه ها رایج است، " کتک کاری با کابل، شوک برقی، آویزان کردن، گذاشتن در داخل صندوقهای مرگ و ناخن کشیدن". احزاب حاکم از بدو به قدرت رسیدنشان چنان وحشیانه زندانیان و مخالفین سیاسی خود را شکنجه و آزار می دهند که مردم سالهاست می گویند زندانهای مخوف حکومت بعث عراق بسیار بهتر از زندانهای احزاب ناسیونالیست حاکم است.

فروش ۵۳ در صد از خاک اقلیم به کمپانیهای نفتی!

روز شنبه نهم آپریل شیرکو جودت رئیس پارلمانی هئیت برق و منابع طبیعی در مصاحبه ای با کانال تلویزیونی ان ار تی اعلام می کند که " ۵۳ درصد خاک اقلیم کردستان به مدت ۲۵ سال به کمپانیهای نفتی فروخته شده اند، بقیه مناطق هم که بفروش نرفته است محل شهرها و روستاهای اقلیم است". همچنین جودت گفت: " در اکثر جاهای نفتی که حکومت طرف قرار داد بوده، ۸۰ درصد در آمد نفت به کمپانیهای نفتی و ۲۰ درصد به حکومت اقلیم تعلق دارد، تنها در چند مورد سهم حکومت اقلیم ۲۵ درصد می باشد". لازم به ذکر است که در مناطق اقلیم کردستان تا هم اکنون دهها چاه نفت پیدا شده و سران حکومت اقلیم هم با حراج نفت و قرار دادهای خفت بار با کمپانیهای نفتی چنان مشغول

دزدی و چپاول هستند که این عضو پارلمانشان ناچار به افشاگری و اعتراض می شود.

حقوق معلمان همچنان با تاخیر پرداخت می شود!

روز شنبه نهم آپریل معاون رییس اتحادیه معلمان اعلام کرد که تاریخ پرداخت حقوق این ماه معلمان هنوز مشخص نشده و معلمان همچنان در انتظار پرداخت حقوقهایشان هستند. عطا احمد معاون اتحادیه معلمان گفت که، همچنین ما انتظار داریم که این ماه نیز نصف حقوق به تعویق افتاده ماه آگوست سال ۲۰۱۵ را دریافت کنیم. لازم به ذکر است که حکومت اقلیم به بهانه کمبود بودجه حقوق کارمندان دولت را با ماهها تاخیر پرداخت می کند، معلمان در چند ماه گذشته اعتراضات وسیعی را سازمان دادند که هنوز هم در مناطقی اعتراض و بایکوت مدارس از طرف معلمان ادامه دارد.

اعتراض عضو رهبری اتحادیه میهنی به قدرت خانواده طالبانی!

اخیرا در مصاحبه ای با کانال تلویزیونی ان ار تی محمود سنگاوی عضو دفتر سیاسی اتحادیه میهنی در اعتراض به قدرت خانواده جلال طالبانی گفته: " نمی شود روسای فراکسیون اتحادیه میهنی در بغداد و اقلیم کردستان و کلا قدرت سیاسی با خانواده طالبانی باشد". سنگاوی که یکی از اعضای جناح مخالف در اتحادیه میهنی می باشد همچنین در مورد اتحاد دوباره جنبش گوران با اتحادیه میهنی میگوید: "ما دوست داشتیم با آنها دوباره اتحاد کنیم، چرا که آنها بخشی از ما بودند و بخاطر بعضی از مسائل جدا شدند".

جنگ قدرت جناحهای اتحادیه میهنی باز هم بالا گرفته و سخنان سنگاوی هم در همین چهارچوب می گنجد، اما مسئله این است که جنگ و آشتی جناحهای مختلف بورژوازی کرد در اقلیم کردستان همچنان که تجربه ۲۴ سال گذشته هم نشان داده است کوچکترین ربطی به منفعت اکثریت مردم کارگر و زحمتکش آن جامعه ندارد. نه تنها این بلکه بخشی از همین جناح به ظاهر

اپوزیسیون و از جمله خود محمود سنگاوی دستشان به خون مردم معترض اقلیم کردستان آغشته است. گفتنی است که یکی از

اول مه، روز جهانی کارگر را گرامی داریم.

بهنام ابراهیم زاده

زاده و اسماعیل عبیدی از جمله لغو احکم زندان برای کارگران و زندانیان سیاسی که بخاطر مبارزه برای اولیه ترین حق و حقوقشان در زندانند و با اتهام واهی "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی کشور" محاکمه و احکام سنگین گرفته اند، اعلام همبستگی میکنم. خود من یک نمونه از چنین احکام ناعادلانه هستم که ۶ سال در زندانم و در حکم جدیدی هم به هفت سال و ده ماه دیگر حبس محکوم شده ام.

من در عین حال نگرانی این عزیزان هستم. بعضا ما زندانیان در شرایطی اضطراری قرار میگیریم که ناگزیر میشویم با شیوه ای چون اعتصاب غذا حرف و اعتراضات را بیان کنیم، تا صدای اعتراضاتمان شنیده شود. اما همیشه حمایت مردم و جامعه یار و یاور ما بوده است. و امروز همکاران من جعفر و اسماعیل چنین رسالتی را بر دوش گرفته اند. من ضمن اعلام حمایت قاطع از بیانیه مشترک جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبیدی انتظار وسیعترین حمایتها را از این عزیزان دارم و بر این باورم که این یکی از اقدامات مهم امسال ما در گرامیداشت اول مه روز همبستگی جهانی کارگران است.

باز هم میگویم روز جهانی کارگر را گرامی میدارم. زنده باد اول مه روز همبستگی جهانی کارگران

۲۰ فروردین ۹۵

بهنام ابراهیم زاده، بند ۱۰ رجایی شهر، سویت زندانیان سیاسی برگرفته از صفحه فیس بوکی پایگاه خبری خانواده بهنام ابراهیم زاده

من بهنام ابراهیم زاده، از فعالین کارگری در زندانم. ما کارگران، ما انسانهای معترض را زندان میکنند تا اعتراض نباشد. تا فریاد و کیفرخواستی نباشد. اما ما اجازه نمیدهیم که این صداها خاموش شود و اجازه نخواهیم داد. ما به کل این بساط استثمار و بربریت اعتراض داریم و اول مه، روز جهانی کارگر، روز اعتراض به همه مصائبی که سرمایه داری در گسترده جهان برای بشریت بوجود آورده است، را گرامی میداریم.

امسال در شرایطی اول مه را گرامی میداریم که فقر و گرسنگی بیش از هر وقت زندگی کارگران و کل مردم را تباه کرده است. حداقل دستمزد ۸۱۲ هزار تومان، تحمیل فقر بیشتر بر ما کارگران و ما مردم است. اول مه امسال با اعتراض به زندگی زیر خط فقر، با حداقل دستمزد، بر یک زندگی انسانی و شایسته تاکید کنیم.

من همصدا با همکارانم جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبیدی که به این وضعیت اعلام اعتراض کرده اند، همصدا با ۱۳ تشکل کارگری که خواستار حداقل دستمزد سه میلیون و پانصد هزار تومان شده اند، باز هم میگویم معیشت، منزلت حق مسلم ماست.

من از خواستهای جعفر عظیم

تلفن و ای مایل آدرسی تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!